مبنای آیت‌الله بهجت در رویت هلال؛ علم به وجود هلال در افق بلد

(23:18)

شاگرد۲: پس آن قسمتی که با تلسکوپ هلال دیده می‌شود ولی ممکن است با چشم غیر مسلح به‌صورت واضح دیده نشود، جزء آن ناحیه نیست؟

استاد: بله. یعنی اگر با چشم این خط را دیدند، طوری بود که فقط سه-چهار نقطه دیدند و چون متصل نبود، هلال نیست؛ چون در صدق هلال این هست. مگر مبنایی که از حاج آقا نقل کردم. جابر بن زید یکی از فقها بود؛ نمی‌دانم در مدینه بود یا کجا بود. از او سؤال کردند ما در روز هلال را دیده‌ایم، ثابت هست یا نه؟ گفت ببین بین دیدی الشمس دیدی یا عقیب آن. اگر در روز وقتی شمس بالا می‌آید، دیدی که هلال پشت سر شمس می‌رود، خوب است. اگر جلوی شمس به طرف غروب می‌رود خوب نیست. چرا؟ وجهش روشن است. گفت اگر شمس در آسمان است و قمر زودتر طلوع کرده و به طرف مغرب است، یعنی امروز هم زودتر هم غروب می‌کند و هنوز به مقارنه نرسیده. یک ضابطه عرفی ساده است. خب قمر زودتر غروب می‌کند و هنوز به مقارنه نرسیده است. مانعی ندارد. یعنی هنوز برای ماه قبل است. اما اگر هلال را در روز دیدی و دیدی خورشید جلوتر است، و ماه پشت سر خورشید است، لذا اول خورشید غروب می‌کند و بعد هلال بالای افق می‌رود. پس اگر پشت سر خورشید است، از مقارنه در شده و اهلال شده که شما آن را می‌بینید. اگر آن نقاط را با این ضابطه جابر بن زید اعمال کنیم، به این معنا که فقط پشت سر شمس باشد، خب وقتی چند نقطه می‌بینیم، در وقت غروب قطعاً پشت سر شمس است. اما کسانی که می‌گویند باید اهلال هلال بشود و صدق هلال در مرئی بکند و وجود قمر پس از شمس و بالای افق کافی نیست، تقریبا بیش از ظن متعارف دارم که نسبت به مبنای حاج آقا که توضیح می‌دادند، می‌توانم عرض کنم که ایشان می‌گفتند مجزی است. البته به تلسکوپ هم قائل بودند. می‌گفتند حتی در تلسکوپ هم مطمئن هستیم که هلال هست اما هنوز نقاطش متصل نشده، ایشان می‌گفتند کافی است. بیش از ظن متعارف در ذهن من هست که ایشان اینطور می‌گفتند. چون مبنایشان همین بود. منظورشان این بود که در وقت غروب بلد، هلال داشته باشیم. هلال به چه معنا؟ هلال یعنی آن قمری که نور از آن به ما می‌تابد و می‌فهمیم از مقارنه در شده، از افق ما هم به قدری بالا است که ولو نقاطی از آن می‌بینیم ولی خلاصه در شده. الآن در افق ما هلال داریم.

شاگرد: از مقارنه رده شده ای هلال داریم؟

استاد: ایشان در این مبنا، تحت‌الشعاع اصطلاحی را کنار می‌گذاشتند. تحت‌الشعاع اصطلاحی از زمان خواجه تا حالا مستقر بوده. اقلش هجده-بیست ساعت می‌شد. لذا طبق مبنای ایشان تحت‌الشعاع اصطلاحی کنار می‌رود. با تلسکوپ، هنوز بیست ساعت نشده ولی می‌بینیم. مبنای فقاهتی ایشان این بود.

شاگرد: گذشتن از مقارنه؟

استاد: نه، وقت غروب بلد، بالای افق بلد، هلال را داشته باشیم. هلال نه یعنی آن ضخامت بیست ساعته. یعنی بدانیم که ماه الآن در افق ما هست.

شاگرد۲: ماهی که از مقارنه در شده؟

استاد: بله. ایشان مدافّه ی روی هلال و ضخامت ندانشتند. ایشان میگفتند میخواهیم ببینیم ماه جدید آغاز شده یا نه.

شاگرد: رویت امارہ است؟

استاد: بله.

شاگرد: این همان مقارنه است. یعنی در وقت غروب از مقارنه در شده و ... .

استاد: نه، ایشان این را قبول ندانشتند. گاهی است که در وقت غروب قم، میدانیم که دو ساعت است که از مقارنه در شده، ایشان این اندازه را قبول نمی کردند.

شاگرد۲: باید تکون هم پیدا کرده باشد.

استاد: بله. همانی که عرف متشرعه است. بالای افق بلد -نه افق حقیقی هیوی در زیر، بلکه افق حسی و ترسی- به نحو متعارفی که متشرعه استهلال میکردند. نه صرف المقارنه. تقریبا من اطمینان به نفیش دارم که صرف المقارنه نبوده.

شاگرد: حتی صرف خروج از تحتالشعاع نبوده و باید برای افق خودش هم تکون داشته باشد.

استاد: بله.

شاگرد۲: تکون در چه حد؟

استاد: در حدی که عرف - به هر وسیلهای - وقتی آن را میبینند، بگویند در وقت غروب هلال را دیدیم.

شاگرد: غیر از تلسکوپ و چشم عادی دیگه چه طریقی است؟

استاد: اینها همه اش زدن ایشان طریقیت است. الآن تلسکوپ و چشم عادی میگویدی در وقت غروب بلد، بالای افق قم هلال داریم.

شاگرد۲: هلال بهمعنای جرم قمر؟

شاگرد: جرم مرئی.

استاد: بله. جرمی که در محاق هم هست، برای ایشان کافی نبود. مثلاً در لحظه غروب شمس در قم، ده دقیقه هست که مقارنه شده، در وقت غروب قم مقارنه شده اما هنوز قرص قمر از شمس جدا نشده؛ مرکز اینها به هم میرسد. هنوز قرص قمر از شمس جدا نشده. ایشان قبول ندارند. بنابراین باید فاصلهای بگیرد که وقتی مردم میبینند هلال باشد.

شاگرد: ایشان به‌غیرازتلسکوپ و چشم عادی، طریقی دیگر را هم قبول دارند؟

استاد: واقعیتش را قبول دارند. هلال و تلسکوپ دارد کشف می‌کند. آن چه که ایشان می‌گفتند، امکانیت رؤیت هلال بود.

شاگرد۳: یعنی از جرم ماه نوری به سمت ما بیاید.

استاد: بله.

شاگرد: اینکه هلال می‌فرمایید هیئت هندسی به ذهن می‌آید. یعنی ولو جرم قمر هنوز به شکل هندسی هلال درنیامده باشد، با تلسکوپ هم دیده باشد، باز ثابت است.

استاد: آن که بله...

شاگرد۳: یعنی نه فقط با چشم عادی، نه فقط با تلسکوپ، بالاتر برویم.

استاد: حدس من از مبانی ایشان و نحوه‌ای که توضیح می‌دادند، این بود. ولذا وقتی تلسکوپ مطرح شد خیلی محکم نوشتند. دست خطشان هم هست. یک صفحه توضیح دادند. برای ایشان خیلی واضح بود؛ عینک بگذاری و هلال را ببینی، با اینکه تلسکوپ بگذاری و ببینی، فرقی ندارد. چون مبانی که ایشان برای هلال و شروع ماه قائل بودند، صرف مقارنه نبود. همه این بند و بیل ها در افق این بلد هلال داشته باشیم، و رویت و تلسکوپ هم طریق است.

شاگرد: در مبانی ایشان غیر از طریق رویت با چشم عادی و تلسکوپ، طریق دیگری برای اثبات هلال هست؟

استاد: بله، در جامع المسائل هست. محاسبه‌ای که موجب علم و اطمینان بشود. اگر اهل فن با محاسبات موجب علم یا اطمینانی که همان علم است، بگویند قبول است. ایشان از کسانی هستند که قول هَیَوَی را در وقتی که موجب اطمینان باشد، قبول می‌کنند.

شاگرد: چند روز پیش به مکث مثال زدید. یعنی گاهی اوقات چون در افق ما مکث کم است حتی با تلسکوپ نمی‌توانیم ببینیم ولی با توجه به اینکه در بلاد غربی مکث بیشتری هست با تلسکوپ دیده می‌شود. این مثالی می‌شود برای اینکه می‌فرمایید.

استاد: یعنی عرض ما طوری است که آن را حتی با تلسکوپ نمی‌بینیم. اما همین زمان در بلادی که عرضشان کمتر است می‌بینند.

شاگرد۲: پس شکل هندسی هلال موضوعیت پیدا نکرد؛ یعنی اوائلی که قرص قمر می‌خواهد دیده شود، وقتی با تلسکوپ هم نگاه کنید، گاهی ذرات نوری از قمر می‌آید و هنوز حالت هندسی پیدا نکرده است، اگر آن هم دیده شود کفایت می‌کند؟ یعنی هیئت هلال مهم نیست؟

استاد: بله یعنی اگر به ایشان می‌گفتند هلال را دیدیم اما نورهایش خیلی ضعیف است، به‌طوری‌که به‌صورت فرمایش شما است، باز ایشان قبول داشتند.

شاگرد: یعنی نقاط دیدند، ولی هلال تشکیل شده؟

استاد: یعنی در افق بلد، وقتی عرف ببینند می‌گویند هلال ماه است. صدق عرفی فرمایش ایشان خیلی خوب است. این هم که آقا فرمودند روی بلد بیاید، اینکه من روی خط غروب خیلی

تأکید کردم، خیلی از این بحث‌ها را قیچی می‌کنند. الآن شما می‌گویید دارم هلال را می‌بینم. در افق بلد هست اما به‌صورت چند نقطه است. خب این شکل سه‌موی چه می‌گفت؟ در خط غروب می‌گفت الآن شما در لایه‌ای هستید که ضعیف می‌بینید یا به فرمایش ایشان نقاطی می بینید. اما همین الآن اگر پایین‌تر بروید، همین هلالی که شما به‌خاطر عرض زیاد نمی‌توانید آن را ببینید یا نقطه‌ای می‌بینید، عده‌ای به‌راحتی می‌بینند.

شاگرد: صدق عرفی را معیار دانستند. ولو با تلسکوپ دیدن باید صدق عرفی اتفاق بیافتد.

استاد: خب اگر الآن بالای افق ما نقاطی هست که همین لحظه در عرض های پایین‌تر هلال خیلی خوبی دارند... .

شاگرد: ایشان این را کافی می‌دانستند؟ در افق بلد کافی می‌دانستند؟

استاد: اگر آن هلال کاشف از این بود که در افق بلد ما هم هلال موجود است، کافی می دانستند.

شاگرد: پس الآن شکل هندسی هلال موضوعیت پیدا کرد.

استاد: بله. ولذا گفتم مقارنه را قبول ندارند. ایشان اهلّ‌الهلال را شرط کار می‌دانستند. آنوقت این مویّد فرمایش ایشان می‌شود که چون الآن در قم عرضش زیاد است و ما با زحمت آن را می‌بینیم، در همین لحظه در جای دیگری می‌بینند. در همین ماه جمادی وارد این بحث شدیم. از برکات این ماه بود که نکات خوبی برای همین ماه مطرح شد. با توضیح ایلوپ الآن در نیم کره شمالی حتی با تلسکوپ قابل رویت نبود، اما در همین لحظه‌ای که ما با تلسکوپ هم نمی دیدیم هلال داشتیم، هلالی که به‌خاطر این‌که نیم کره جنوبی بود دیده نمی‌شد. الآن مبنای ایشان تمایزش را نشان می‌دهد. و لذا خیلی مهم است. چون ایشان می‌گویند ما در افق قم داریم یا نداریم؟ شما می‌گویید با تلسکوپ هم نمی‌توان دید؛ پس در افق قم نداریم. اینجا روی مبنای‌شان می‌گفتند نه، ماه وارد نشده.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 14:23:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 14:25:42 توسط ... .